را یافته‌اند؛ زبانی که تنها از جنس لطافت و زیبایی نیست، بلکه دربردارنده مقاومت، نقد و تأمل است. آن‌ها خود فاعل تصویر شده‌اند، نه صرفاً سوژه‌ای که دیده می‌شود.

بازتعریف حضور
بیشتر از یک نقش

در این نمایشگاه، برخلاف بسیاری از نمونه‌های مشابه، خبری از تصویرهای کلیشه‌ای و صرفاً زیبایی‌شناسانه از زن نیست. زنان هنرمند، در اینجا، روایت‌گر تجارب زیسته، تاریخی، و اجتماعی خود هستند. آن‌ها نه تنها به تصویر کشیدن وضعیت زن اکتفا نکرده‌اند، بلکه از طریق خلق آثار، در حال بازتعریف جایگاه زن در متن هنر و جامعه‌اند. نکته مهمی که این نمایشگاه را از نمونه‌های سطحی و متداول جدا می‌کند، تاکید بر حضور فاعلی زنان در فرایند خلق اثر است؛ حضور زنی که دست به خلق و کنش هنری زده، نه تنها یک شیء هنری ساخته. این نگاه، برگرفته از تجربه زیسته، مطالعات تاریخی و دانش فرهنگی است و نشان‌دهنده بلوغ و آگاهی نسل جدید زنان هنرمند است.

میان سنت و مدرنیته
پیوندی در حال شکل‌گیری

زن ایرانی در هنر معاصر همواره میان دو قطب سنت و مدرنیته گرفتار بوده است. از یک سو، فرهنگ بومی و ارزش‌های تاریخی و مذهبی، و از سوی دیگر، فشارهای مدرن‌سازی و جهانی‌شدن، فضای تولید هنری را تحت تأثیر قرار داده‌اند. نمایشگاه «به گزارش زنان» تلاش دارد این تقابل را نه به‌عنوان نقطه ضعف، بلکه به‌عنوان نقطه قوت به نمایش بگذارد. در آثار به نمایش درآمده، نشانه‌های محکم فرهنگ ایرانی - از خوشنویسی تا نقوش سنتی - در ترکیب با زبان‌های جدید بصری و تکنیک‌های معاصر به هم آمیخته‌اند. زن هنرمند ایرانی، در اینجا، نه یک موجود «غرب‌زده» است و نه صرفاً حامل میراث سنتی؛ بلکه بازیگری است که با هوشمندی، هر دو جهان را در هم می‌آمیزد و روایت خود را می‌سازد.

نمایشگاه «به گزارش زنان» بیش از آنکه صرفاً مجموعه‌ای از آثار هنری باشد، بیانیه‌ای است سیاسی، فرهنگی و هنری درباره جایگاه زن در هنر معاصر ایران. زنی که دیگر در حاشیه نیست، بلکه در متن و مرکز این روایت قرار دارد. آثار به نمایش درآمده، بیانگر تحول بنیادین در نگرش به زن و هنر است؛ تحولی که اگر به‌درستی دیده و تحلیل شود، می‌تواند راهگشای آینده‌ای روشن‌تر برای هنر ایران باشد

حافظه و فراموشی
ثبت خاطره زنانه

تاریخ هنر ایران، چه‌بسا به دلایل گوناگون، بارها و بارها زنان را به حاشیه رانده است؛ چه در روایت‌های رسمی و چه در اسناد و بایگانی‌های هنری. این نمایشگاه، با گردآوری آثار و اسناد بصری، تلاش می‌کند تا این حافظه فراموش‌شده را بازخوانی کند.

زن هنرمند در اینجا خود تاریخ‌نگار است؛ او با آثاری که ارائه می‌دهد، خاطرات فردی و جمعی خود و نسل‌های پیشین را ثبت می‌کند. این خاطرات از جنگ و جدایی تا مهاجرت و زندگی روزمره، همه بخشی از تاریخ فرهنگی زنانه ایران‌اند که به ندرت در کانون توجه قرار گرفته‌اند.

کنشگری هنرمند زن
نه قربانی بلکه ناظم صحنه

یکی از مهم‌ترین نکات این نمایشگاه، تاکید بر نقش فعال زن به‌عنوان کنشگر هنری است؛ زنی که نه فقط واکنش نشان می‌دهد، بلکه خودش دست به تغییر می‌زند. این دیدگاه، ورای رویکردهای سطحی «هنر زنانه» یا حتی برخی گونه‌های فمینیسم رایج جهانی است که گاه به بازنمایی صرف قربانی‌بودن زن اکتفا می‌کنند. زن هنرمند ایرانی، در این عرصه، نه فقط روایتگر درد است، بلکه حامل طرحی نو است؛ طرحی که نه در برابر سنت خمود می‌ماند و نه به تقلید کورکورانه از الگوهای خارجی می‌پردازد. او در پی ساختن بیانی مستقل است، بیانی که هم ریشه در تاریخ دارد و هم نگاه به آینده.

نهادهای فرهنگی و مانع‌های پیش رو

با وجود پیشرفت‌های چشمگیر زنان در هنرهای تجسمی، نباید از موانع ساختاری و فرهنگی موجود چشم‌پوشی کرد. حضور زنان در عرصه‌های رسمی هنر، گالری‌ها و جشنواره‌ها هنوز هم با سدهایی مواجه است. سیاست‌گذاری‌های رسمی، محدودیت‌های اجتماعی، و نگاه‌های محافظه‌کارانه، هنوز بسیاری از هنرمندان زن را در حاشیه نگاه می‌دارد.

نمایشگاه «به گزارش زنان» خود گزارشی است از این چالش‌ها و البته از استقامت و ایستادگی زنان هنرمند که حتی در سایه این موانع، توانسته‌اند به شکل‌گیری زبان هنری مستقل کمک کنند.

آنچه امروز نیاز است، فراتر رفتن از بحث‌های کلیشه‌ای و ورود به گفتمانی جدید درباره زن و هنر در ایران است. گفتمانی که زن را نه صرفاً قربانی یا موضوع تصویر، بلکه به‌مثابه نیروی زنده، خلاق و اثرگذار در مرکز میدان هنر قرار دهد.

گفت‌وگوی امروز باید به سمت شناخت پیچیدگی‌ها، تضادها، و ویژگی‌های چندلایه زن معاصر ایران حرکت کند؛ زنی که هم میراث‌دار فرهنگی غنی است و هم سازنده روایت‌های نو و بدیل.

نمایشگاه «به گزارش زنان» بیش از آنکه صرفاً مجموعه‌ای از آثار هنری باشد، بیانیه‌ای است سیاسی، فرهنگی و هنری درباره جایگاه زن در هنر معاصر ایران. زنی که دیگر در حاشیه نیست، بلکه در متن و مرکز این روایت قرار دارد. آثار به نمایش درآمده، بیانگر تحول بنیادین در نگرش به زن و هنر است؛ تحولی که اگر به‌درستی دیده و تحلیل شود، می‌تواند راهگشای آینده‌ای روشن‌تر برای هنر ایران باشد؛ آینده‌ای که در آن صدای زنان، نه به عنوان فریاد اعتراض، بلکه به‌مثابه نغمه سازندگی و نوآوری شنیده خواهد شد.

سینمای جهان

داستان یک پیروزی نمادین

دکتر بابک زمانی، نویسنده: داستان فیلم پیروزی (Vitoria)، داستان پیروزی پیرزنی هشتاد و چند ساله بر مافیای مسلح ریودوژانیرو است. داستانی امیدبخش در دنیایی که از هر سو ناامیدی و یأس می‌بارد؛ داستانی نمادین که از زاغه‌های ریودوژانیرو و قاچاقچیان بسیار خشن این شهر نقبی به عمیق‌ترین زوایای روح بشر می‌زند. داستان از واقعیت محض سرچشمه می‌گیرد اما تا ناب‌ترین ایده‌ها، خیر و شر، اوج می‌گیرد. پیرزن با چشمانی پف‌آلود و قرنیه‌ای تار که گویا نمی‌بیند با سلاح دوربین که نمادی از آگاهی است به جنگ شری می‌رود که زندگی او و مردم شهر را پایمال می‌کند. آری شهر آنقدر آلوده و بی‌حوصله و گرفتار است که تنها پیرزنی مفلوك باید به داد آن برسد. مادر شهر، مادر بزرگ همه، روح شهر آنکه شهر را زاد، بزرگ کرد و حالا هنوز هم دست از مراقبت از این طفل رنجور اما شرور نکشیده، این بره‌های گمشده که یکی از آنها هم مثل پسرخوانده خود اوست. او در هشتادوچند سالگی باز هم کار می‌کند، با دست‌های ناتوان ماساژ می‌دهد، چند سکه‌ای که می‌گیرد گذران زندگی اوست؛ حاضر نیست در خطرناك‌ترین شرایط هم خانه کوچك خود را ترك کند. شاید برای همین درآمد مختصر، مثل بسیاری از ما که به میهن خود به جایی که در آن زندگی می‌کنیم به عنوان رزاق خود هم می‌اندیشیم جایی که اگر از دست بدهیم رزقی نخواهیم داشت. فنجان شکسته‌ای که از هوا و هراس می‌شکند اما دوباره با هزار امید آن را چسب می‌زند، باز می‌شکند اما نمی‌گوید که باز هم نخواهد شکست. کلبه محبت در تپه شر و شرارت؛ و بسیار نمادهای دیگر. ویتوریا داستان امیدبخش پیروزی مقاومت و مبارزه مدنی با حداقل‌های قانونی در شرایطی است که حتی فساد تاروپود همه چیز را درهم نوردیده است. نمایشگر مغاك دهشتناکی است که در آن راهی به جز همین مقابله مدنی با تمام خطراتش وجود ندارد؛ رویای نابودی همه چیز و برآمدن فردایی روشن، رویایی نیهیلیستی است که راه به جایی نمی‌برد. نام فیلم پیروزی هم نویدی است به این راه علی‌رغم تمام سیاهی‌ها و پلیدی‌هایی که در فیلم نشان داده می‌شود.

لکان از آن با عنوان «امر نمادین» یاد می‌کند: نظمی از زبان، قانون، و ساختارهایی که فرد را در شبکه‌ای از معنا و نقش فرو می‌برند؛ جایی که سوژه دیگر نه آن‌چه هست، بلکه آن‌چیزی می‌شود که باید باشد. در قاب‌های دشتی، این نظام با دقت صحنه‌پردازی شده است: میز صبحانه، لباس دامادی، تلویزیونِ روشن، خطوط متقارن فضا. هر چیز در جای خود قرار دارد، بی‌آنکه معنای زنده‌ای داشته باشد. گویی بافت نمادین جامعه، همان قواعد زیستن، همان قراردادهای آشنا، همچنان فعال است، اما تهی از پیوند عاطفی و بدن‌مندی. این استمرار مکانیکی، نه نشانه تاب‌آوری، بلکه گواه نوعی انجماد روانی‌ست؛ حالتی که در آن، فرد به جای تجربه‌ی بحران، صرفاً نقشِ خود را ادامه می‌دهد. «عروسی»، در دل ویرانی، بیش از آن‌که عمل باشد، تکرار یک نشانه است؛ گفتاری بی‌گوینده، که صرفاً چون باید گفته شود، گفته می‌شود. و ما، تماشاگر این تکرار تهی‌ایم؛ همان‌جاست که سوژه، به تعبیر لکان، از خود فاصله می‌گیرد: او دیگر کنش‌گر نیست، بلکه درون ساختاری ایستاده که برایش تصمیم می‌گیرد، می‌نویسد، و حتی زندگی می‌کند. ما در برابر این تصاویر، با تجربه‌ای روبه‌رو می‌شویم که در آن، کنش انسانی به وظیفه‌ای نمادین تنزل یافته؛ و زندگی، نه چون زیستن، که چون اجرای آیین‌های زنده‌نما ادامه می‌یابد.

صحنه در تصرف تهدید

در پس تصویرها، جایی که زبان متوقف می‌شود و نظم نمادین از بازنمایی فرومی‌ماند، قلمرو «امر واقع» آشکار می‌شود: ساحت زخم، بی‌واسطگی، چیزی که نه به بیان درمی‌آید و نه به تصویر، اما با شدتی سرکوب‌ناپذیر حضور دارد. در عکس‌های دشتی، این واقع، در سکوت صورت‌ها و بی‌تفاوتی کنش‌ها رخنه می‌کند: جنگ نه به‌مثابه حادثه، بلکه به‌مثابه ماندگاری‌ای بی‌چهره. تهدید در صحنه نیست، اما صحنه در تصرف تهدید است. نظم واقع، آن‌جاست که «اتفاقی نیفتاده»، اما ما دیگر همان آدم قبلی نیستیم.

در دل این تصاویر ساختگی، چیزی واقعی‌تر از هر گزارش خبری نهفته است: تجربه‌ای روانی از تعلیق، تکرار و انکار. اگر مجموعه‌ی گوهر دشتی در فضایی میان خیال، نماد و واقع حرکت می‌کند، آن‌چه این روزها در ذهن و تنِ بسیاری از ما نشسته، چیزی‌ست هم‌ریشه با همان سازوکارها؛ تنها بی‌واسطه‌تر، بی‌پناه‌تر، و بی‌تصویرتر. در دوازده روزی که بیمِ واقعه‌ای گسترده‌تر در هوا معلق بود، زندگی چنان در وضعیتی تعلیق‌آمیز قرار گرفت که گویی از همان ابتدا، هم‌واقعی بود، هم نبود. چیزی ثبت نمی‌شد، اما درون ما در حال تخریب بود. زندگی، در این قاب‌ها، نه با میل به معنا، که به نیروی تداوم نمادینِ بی‌احساس، ادامه می‌یابد. و این شاید همان حسی باشد که در روزهای اخیر نیز از سر گذراندیم: وقتی اجرا می‌کردیم، بی‌آنکه با چیزی واقعی در تماس باشیم.

کلینیک فوق‌تخصصی قلب و عروق بیمارستان هاشمی‌رفسنجانی (مرکز جامع سرطان) با رویکرد ویژه به کاردیوانکولوژی و ارائه خدمات با تعرفه عمومی غیردولتی آغاز به کار کرد. به گزارش روابط‌عمومی بیمارستان هاشمی‌رفسنجانی، این کلینیک با هدف مراقبت جامع از سلامت قلب بیماران، به‌ویژه بیماران مبتلا به سرطان که در معرض عوارض قلبی ناشی از درمان‌های شیمی‌درمانی و پرتودرمانی قرار دارند، فعالیت خود را آغاز کرده است.

خدمات ارائه‌شده در کلینیک قلب:

در این مرکز خدمات پیشرفته‌ای نظیر آنژیوگرافی و آنژیوپلاستی عروق قلبی و محیطی، آنژیوامبلاسیون تومورها، مداخلات ساختاری قلب، تعبیه باطری‌های قلب، EPS قلب و نیز خدمات سرپایی شامل اکوکاردیوگرافی، نوار قلب، تست ورزش، هولتر فشار و ریتم، استرس اکو و پایش مداوم سلامت قلب و درمان واریس ارائه می‌شود. براساس این گزارش، استقرار این کلینیک در مرکز جامع سرطان امکان همکاری چندتخصصی میان تیم‌های قلب، انکولوژی و هماتولوژی را فراهم کرده و دسترسی آسان بیماران به سایر خدمات درمانی و تشخیصی را میسر ساخته است.

نقش کلیدی سیستم قلبی‌عروقی در کنترل و درمان سرطان:

بسیاری از درمان‌های سرطان مانند شیمی‌درمانی، پرتودرمانی و برخی داروهای هدفمند، ممکن است به قلب آسیب بزنند. کاردیوانکولوژی شاخه‌ای نوین از پزشکی است که به پایش و درمان عوارض قلبی ناشی از درمان سرطان می‌پردازد. در کلینیک قلب بیمارستان هاشمی‌رفسنجانی، با بهره‌گیری از دانش متخصصان و با همکاری نزدیک متخصصان انکولوژی، هماتولوژی و رادیوتراپی، خدمات کاردیوانکولوژی به شکل کاملاً تخصصی و هماهنگ ارائه می‌شود.

ویژگی‌های متمایز کلینیک قلب:

- تعرفه‌های عمومی غیردولتی و پوشش کامل بیمه‌های پایه و تکمیلی
- تمرکز بر کاردیوانکولوژی برای بیماران مبتلا به سرطان
- ارائه خدمات تخصصی و پیشرفته قلب و عروق

اطلاعات تماس برای دریافت نوبت:

آدرس: تهران، بلوار سئول، نبش بزرگراه چمران، مرکز جامع سرطان، طبقه اول، کلینیک تخصصی قلب و عروق - تلفن تماس: ۰۹۰۲۲۳۰۷۷۸۶ - بنیاد امور بیماری‌های خاص

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران م‌الف/۱۲۶۰۹

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۲۷۱۰ مورخ ۱۴۰۴/۴/۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صفرعلی شیرمحمدی فرزند ولی به شماره شناسنامه ۲۷۶ صادره از زنجان در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۰۲/۵۰ مترمربع پلاک ۱۶۴۵۵ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای حاج محمود ملکی زندی و حاج کریم زندی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۵/۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۵/۱۹

خداداد بشیری/رئیس ثبت اسناد و املاک

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک لویزان تهران م‌الف/۱۲۶۱۳

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۱۵۱۰۰۲۲۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لویزان تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم معصومه نداف بشرویه فرزند حسن به شماره شناسنامه ۲۴ کد ملی ۰۹۰۱۰۲۷۴۷۲ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۸۵٫۴۴ متر/ قسمتی از پلاک شماره ۵۵ فرعی از ۶۷۲۰ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک لویزان تهران خریداری از مالک رسمی آقای هایکاز چکناواریان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۵/۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۵/۱۹

ابوالفضل تریوه/رئیس ثبت اسناد و املاک لویزان تهران